



**محفل گرامی داشت از هفتم قوس، روز جانباختگان جنبش
دموکراتیک نوین، به ویژه جنبش مائوئیستی افغانستان**

هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

ویانا - اتریش

۸ قوس ۱۳۹۶ خورشیدی

گرامی داشت از هفتم فورس، روز جانباختگان جنیش دموکراتیک نوین، به ویژه
مستغل تبلیغی
جنیش مانویستی افغانستان

گرامی‌داشت از هفتم قوس،

روز جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین،

به‌ویژه جنبش مائوئیستی افغانستان

گزارش کوتاه:

هواداران ح ک (م) ۱ به‌روز هشتم قوس سال ۱۳۹۶ از روز جانباختگان جنبش مائوئیستی کشور در ویانا تجلیل به‌عمل آوردند و یاد پشگامان جانباخته‌مان را گرامی داشتند. اینک مجموع سخنرانی و شعرهای خوانده شده این محفل را خدمت خوانندگان محترم وبیگاه شعله، جاوید تقدیم می‌داریم.

رفیقان جان سپردند بر تعهد

که کار انقلابی زنده باشد

کسی که پشت کرده بر تعهد

روان پژمرده و شرمنده باشد

رفقا به‌محفل امروزی ما خوش آمدید. این محفل به‌مناسبت سی‌وهشتمین سالروز جانباختگان جریان دموکراتیک نوین افغانستان (شعله‌بی)، به‌ویژه جنبش مائوئیستی کشور برگزار شده است. تشکر از شما که در اینجا تشریف آورده‌اید و با ما، رهروان و ره‌پویان جنبش مائوئیستی کشور و از طریق ما با اعضای خانواده‌های جانباختگان ما احساس غم‌شریکی می‌کنید. بنابراین برنامه خود را طبق معمول با پخش سرود انترناسیونال، سرود جهانی طبقه کارگر آغاز می‌کنیم.

«پخش سرود انترناسیونال»

برخیز، ای داغ لعنت خورده!

دنیای فقر و بندگی

شوریده خاطر ما را برده

به جنگ مرگ و زندگی

باید از ریشه براندازیم

کهنه جهان جور و بند

آنگه نوین جهانی سازیم

هیچ بودگان هر چیز گردند

روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما

انترناسیونال است، نجات انسانها

بر ما نبخشد فتح و شادی

نه شه، نه بت، نه آسمان

با دست خود گیریم آزادی

در پیکارهای بی‌امان

تا ظلم از عالم بروبیم

نعمت خود آریم به دست
دمیم آتش را و بکوبیم
تا وقتی آهن گرم است
روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما
انترناسیونال است، نجات انسان‌ها
تنها ما توده جهانی
اردوی بی‌شمار کار
داریم حقوق جهان‌بانی
نه که خونخواران غدار
غرد وقتی رعد مرگ آور
بر دژخیمان و رهنزان
در این عالم بر ما سراسر
تا بد خورشید نور افشان
روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما
انترناسیونال است، نجات انسان‌ها

رفقای عزیز حالا یاد تمام رفقای جانباخته جنبش مائوئیستی کشور و در پیشاپیش آن‌ها، یاد زنده‌یاد اکرم یاری را با مشت‌های گره‌کرده با یک دقیقه سکوت گرامی می‌داریم! باز هم از احساس همدردی و غم‌شریکی‌تان تشکری می‌کنم.

مهمانان گرامی!

سی‌وهشت سال قبل در هفتم قوس سال ۱۳۵۸ ش (۱۹۷۸ م) حزب دموکراتیک خلق افغانستان که متشکل از جناح خلق و پرچم بود به‌کشتار بزرگی از رقبای سیاسی خود از جمله اعضای جنبش مائوئیستی، افراد ملی‌مترقی و مذهبی کشور زد که تعداد قربانیان آن به هزاران هزار نفر می‌رسد. از میان این جانباختگان می‌توان به‌عنوان نمونه از زنده‌یاد اکرم یاری، رهبر و بنیان‌گذار سازمان جوانان مترقی افغانستان نام برد که با خیلی از رفقای هم‌رمزش توسط رژیم مزدور و دست‌نشانده سوسیال‌امپریالیزم شوروی یعنی خلق و پرچم تیرباران و در گورهای دسته‌جمعی با بولدوزر دفن گردیدند.

به‌هر حال، در دههٔ چهل و پنجاه خورشیدی سه جریان رقیب در افغانستان مبارزه می‌کرد؛ جریان اول سازمان جوانان مترقی بود. این جریان مارکسیست-لنینیست-مائو تسه‌دون‌اندیشه بود. افراد این جریان اتحاد جماهیر شوری را به‌اصطلاح «سوسیال‌امپریالیزم» و ریویزیونیست می‌نامیدند و آن را نقد می‌کردند. این‌ها در سطح دانشگاه، در بین شاگردان مکاتب شهری و روستایی و همچنان در بین کارگران و دهقانان فعال بودند.

جریان دوم دستهٔ «خلق و پرچم از حزب «دموکراتیک خلق افغانستان» بود که از اتحاد جماهیر شوروی پیروی می‌کرد، بدون این که بداند در آنجا چه اتفاقی از نگاه سیاسی و اقتصادی رخ داده است. حزب دموکراتیک خلق افغانستان در درون پارلمان داودخانی فعالیت می‌کرد و از جمله همکاران دولت داودخانی بود. سرانجام این جریان دولت داودخان را در هفتم ثور سال ۱۳۵۷ با کودتای خونین از قدرت ساقط کرد. باید گفت که خلق و پرچم ریویزیونیست بودند، چون به

مارکسیزم - لنینیسم به مثابه راهنمای ایدئولوژیک - سیاسی طبقه کارگر باور نداشتند. این‌ها نمایندگان فئودال کمپرادور و بروکرات افغانستان بودند و با کودتا به قدرت رسیدند، نه با انقلاب و خیزش مردمی و توده‌یی تحت رهبری طبقه کارگر. آن‌ها تا به امروز کودتای‌شان را بی‌شرمانه انقلاب می‌نامند یعنی به‌نظرشان کودتا هم انقلاب است!!!!

جریان سوم هم، جریان «سازمان جوانان مسلمان» بود. اعضای این جریان متشکل از اخوانی‌های مرتجع بودند که متأثر از اندیشه اخوانگرایی در منطقه و جهان بودند.

باید گفت که جریان‌های نامبرده همواره با هم در جر و بحث و مبارزه بود. سیدال سخندان از جمله اولین جانباختگان شعله‌یی بود که به دست گلبدین منوچ در سال ۱۳۵۱ به‌قتل رسید.

بلی رفقای ما نه‌تنها توسط خلق و پرچم، بلکه توسط مجاهدین در دهه شصت و هفتاد خورشیدی نیز به‌قتل رسیدند. علاوه بر آن خیانت، تسلیم‌طلبی ملی‌طبقاتی و انحرافات ایدئولوژیک بعضی از آن‌ها نیز سبب قتل عده‌ای دیگری از رفقا در جریان جنگ مقاومت علیه اشغالگران سوسیال‌امپریالیست شوروی گردید.

در ضمن، عدم رهبری حزب منضبط کمونیستی در آن وقت باعث شد تا مبارزات مردم ما در برابر ارتش متجاوز سوسیال‌امپریالیسم شوروی هدر برود. بعد از سقوط دولت‌دست‌نشانده نجیب در سال ۱۳۷۱، مرتجعین جهادی به‌اریکه قدرت تکیه زدند و باعث جنگ‌های خانمان‌سوز گردیدند. سرانجام این مرتجعین توسط تحریک طالبان در سال ۱۳۷۵ از کابل بیرون رانده شدند. در نتیجه جنگ‌های ارتجاعی بین مرتجعین طالبانی و مجاهدین، زمینه تجاوز امپریالیسم غربی به‌رهبری ایالات متحده آمریکا در سال ۱۳۸۰ بر کشور مساعد شد. حالا ۱۶ سال است که سربازان اشغالگر آمریکا و ناتو به بهانه جنگ علیه تروریسم جهانی مردم ما را می‌کشند، منابع کشور را تاراج می‌کنند، عده‌ای کثیری را آواره و برخی را هم به‌مواد مخدر معتاد کرده‌اند. باید گفت که در زمان اشغال کشور توسط سوسیال‌امپریالیسم شوروی، خلقی‌ها و پرچمی‌ها به‌مثابه دست‌نشانده‌گان آن در کشور حکمروایی می‌کردند و مجاهدین نیروی مقاومت ارتجاعی در برابر آن‌ها بودند و توسط دول

سرمایه‌داری و مرتجعین منطقه حمایت می‌شدند. امروز برعکس خلقی‌ها، پرچمی‌ها، مجاهدین، تکنوکرات‌های دست‌پرورده امپریالیستی، شعله‌بی‌های تسلیم‌شده و تسلیم‌طلب همه‌باهم در زیر چتر اشغالگران جهان‌خوار گردهم آمده‌اند و خون مردم ما را می‌ریزند. فعلاً جنگ مقاومت ارتجاعی توسط طالبان در کشور پیش برده می‌شود. ما امیدواریم که حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با جنگ مقاومت ملی مردمی انقلابی «شکل مشخص کنونی جنگ خلق» رهبری جنگ انقلابی را به‌دست گیرد تا پوز اشغالگران و دست‌نشانندگان‌شان را به‌خاک مالند و مردم ما خود قادر به‌تعیین سرنوشت‌شان گردند. امروز وطن‌فروشی، خیانت ملی، فساد گسترده، چور و چپاول منابع طبیعی، کشتار و هتک حرمت مردم، تخریب محیط زیست و بلاخره تسلیم‌طلبی ملی از چپ‌وراست در کشور مد روز شده‌است.

باید یادآور شد که امروز خیلی از سازمان‌ها و افراد سابقاً شعله‌بی در خدمت اشغالگران و رژیم دست‌نشانده در آمده‌اند و معاش‌دالری می‌گیرند. بعضی از این‌ها حتی آثار کمونیستی خود را هم از اطراف به‌کابل انتقال داده‌اند و در دسترس جوانان قرار می‌دهند و ادعا دارند که اگر اکرم یاری زنده می‌بود، ناگزیر با این رژیم کنار می‌آمد و به‌مبارزه‌اش ادامه می‌داد. تسلیم‌شدگان امروزی تسلیمی‌خود را مبارزه می‌دانند و بی‌شرمانه دیگران را هم در گورشان به‌تسلیم‌طلبی ملی طبقاتی شریک می‌کنند. این‌ها احزاب ثبت‌شده دولتی تأسیس کرده‌اند و برای حق و عدالت خلق افغانستان زوزه می‌کشند، اما بی‌خبر از اینکه در کشور اشغال‌شده توسط امپریالیستها، حق و عدالت خلق و مردم دیگر معنی ندارد. این‌ها برای انتقام از خون رفقای جانباخته ما آستین بر زده‌اند و از اشغالگران، وطن‌فروشان، جنایتکاران و دست‌نشانندگان تقاضا می‌کنند تا جنایت‌کاران، وطن‌فروشان و دست‌نشانندگان سابق را محاکمه کنند. این تسلیم‌شدگان و تسلیم‌طلبان نمی‌دانند که همگی‌شان در زیر چتر اشغالگران لمیده‌اند و به‌شکل مستقیم و غیرمستقیم از طرف اشغالگران و دست‌نشانندگان معاش دریافت کرده و زهر مار می‌کنند. این‌ها دفاع از حق مردم افغانستان را بهانه قرار داده‌اند تا خودشان را چاق و چاق‌تر کنند. تسلیم‌شدگان و تسلیم‌طلبان شعله‌بی با سایر تسلیم‌طلبان نه برای دفاع و خدمت به‌مردم، بلکه برای اندوختن ثروت شخصی در درون دولت دست‌نشانده خزیده‌اند. این‌ها به‌زور خود را نماینده مردم ساخته‌اند، در حالی که هیچ ربطی

بهمردم و منافعشان ندارند. مردم و وطن در حقیقت وسیله امرار معاش اینها شده‌اند تا کسی به‌رازشان پی نبرند. اینها مطمئناً به‌دلشان چنین می‌گویند که «لااله الاالله، دالر رسول الله»، گور پدر مردم، ما را چه به آن‌ها.

رفقا ما امروز گردهم جمع شده‌ایم تا یاد جانباختگان مان را گرامی داریم. یادشان گرامی و راه سرخ‌شان پررهور و خروشان باد! در ضمن باید اذعان کرد که به‌جز دولت انقلابی و دادگاه انقلابی هیچ فرد و نهاد فرمایشی حق مداخله و محاکمه قاتلان جانباختگان ما را ندارد و از عهده آن نیز نمی‌تواند بر آیند. اما تسلیم‌شدگان شرمنده از انقلاب دل خود را با دادگاه‌های امپریالیستی تسکین می‌دهند. بگذار بدهند، چون ماهیت‌شان چنین است. اینها درختانی‌اند که سرشت تلخ دارند و به‌جز میوه تلخ چیزی به‌بار نمی‌آورند. یعنی به‌قول فردوسی:

درختی که تلخ است وی را سرشت
گرش برنشانی به‌باغ بهشت

ور از جوی خلدش به‌هنگام آب
به‌بیخ انگبین ریزو و شهد ناب

سرانجام، گوهر به‌کار آورد
همان میوه تلخ بار آورد

یاد جانباختگان ما گرامی و راه سرخ‌شان پررهور باد!

مرگ بر قاتلان آن‌ها. مرگ بر دشمنان قسم‌خورده مردم ما!

مرگ بر کسانی که با خون جانباختگان ما معامله سیاسی می‌کنند!

خلق ستم‌دیده

دوستان گرامی، شعری دارم تحت عنوان «خلق ستم‌دیده». نخست باید بگویم که از دیدگاه انقلاب و هنر انقلابی، ستم‌دیدگان و استثمارشدگان خواهان دیگرگونی‌اند تا وضع موجود را تغییر دهند و خود را رها سازند. این کار فقط با انقلاب و جنگ انقلابی به دست‌آوردنی‌است، ولی ستمگران و استثمارگران و پابوسان هنرمند آن خواهان حفظ وضعیت موجود‌اند. از این رو نظریه صلح و آرامش را دغدغه می‌کنند، چون به‌سودشان است، در حالیکه عملاً جنگ‌افروزان بی‌رحم‌اند که برای تقسیم مجدد جهان و چوروچپاول منابع و ثروت مردم، به‌هر جنایتی دست می‌زنند و هنرمندان پابوس آن‌ها هم خاموش، نظاره‌گری و دوراندیشی می‌کنند. وضعیت امروزی بیان‌گر این بیدادگری‌است. هنر بینابین و ماواری طبقات یا هنر برای هنر و هنرمند که توسط برخی هنرمندان شرمنده از سیاست و انقلاب نیشخوار می‌گردد در حقیقت وجود ندارد، اگر دارد فقط در ذهن همین‌هاست، نه در دنیای واقعی. این جمع کوشش دارند با این کار لقمه‌نانی از طرف نظام حاکم برایشان به‌دست آوردند، اگر نه با آن در تضاد قرار می‌گیرند که در آن صورت نه‌نان دارند و نه‌نام، چون از مردم و هنر مردمی گریزان‌اند. خلاصه کلام شعری به‌زبان ساده دارم، امیدوارم مورد توجه‌تان قرار گیرد.

خلق ستم‌دیده

ما از تبار خلق ستم‌دیده‌ایم، عدو

از رهروان سرخ درخشنده‌ایم، عدو

تو از تبار قتل و چپاول وحشتی

از حامیان جهلی و سردار دحشتی

از ما ربوده‌ای همه هست و بود ما

ببریده‌ای به‌ظلم و ستم تار و پود ما
رنج دیده‌ایم، ولی سرشار و سربلند
ایستاده‌ایم قوی، چون کوه سربلند
لرزان قیرگون، ای دشمن جبون!
کاری که می‌کنی، زود می‌شوی زبون
نفرین به تو که چنین می‌کنی جفا
لعنت به نوکرت که چنان می‌کند وفا
اینجا که چب‌نما هم حاکم گشته‌اند
کلاً به‌امریکا هم تسلیم گشته‌اند
عوعو زنان همه با هم به هر طرف
این جمع بی‌حیا، این خیل بی‌شرف
از خون خلق وطن نان به‌نرخ روز
خوردند و می‌خورند از شام تا به روز
دشمن به‌نوکرش تحسین کند همه
مردم به‌کار او نفرین کنند همه
تنها سلاح مرگ شما جنگ مردمی است

قه‌ر و قیام، نعره و فریاد مردمی است
صلح و صفاست بسا مشکل هموطن
شورش اگر نکنیم جمع مرد و زن
با جنگ اگر به جنگ نرویم، کار ما غم است
با صلح اگر به جنگ برویم، کار درهم است
هستی‌ای جنگ و صلح، دو روی سکه است
این دو تضاد، جوهر تاریخ زنده است
با جنگ برای محو جنگ، گشتار تاریخ است
با صلح برای محوی جنگ، تکرار تاریخ است
تنها ره نجات فقط جنگ مردمی است
راهی که غیر آن برویم ننگ مردمی است
پس هموطن، ای جسم و جان و تن!
تنها به انقلاب، رها می‌شود وطن!

«هوداران حک (م) ا»

۸ قوس ۱۳۹۶

اتریش

حالا از رفیق ما آقای می‌خواهیم که گفتنی‌های خود را با در میان بگذارد. رفیق گرامی لطفاً تشریف بیاورد.

به‌درد هم اگر خوردیم، قشنگ است

به‌شانه بار هم بردیم، قشنگ است

در این دنیا که پایانش به‌مرگ است

برای هم اگر مردیم، قشنگ است

سلام‌های خود را خدمت شما عزیزان تقدیم داشته‌حضورتان را در این محفل کنونی ، خوش آمدید می‌گوییم.

حاضرین گرامی!

اینک امروز مکرراً صفحه‌ از تاریخ را باز کردیم تا باشد که تحرک کنونی خودمان را با یادآوری و قدردانی از جانبازان انقلابی و رادمردانی که خود را قربانی آزادی و نجات توده‌ها را که از چنگ روس بود، به‌نمایش گذاشته باشیم.

دوستان و رفقای گرامی!

اکنون ما به‌سوغ آن‌هائی نشستیم که این جانبازان و فدائیان راه رهایی ملت را از چنگ وحشت‌گرایی نظام خودفروخته‌ رویزیونیستی خلق و پرچم، نه در گفتار بلکه عملاً برای دوباره برگزاندن استقلال و آزادی کشور که توسط این حزب برده‌منش در بدل مقام و کرسی مبادله شده بود، از بزرگترین امتعه شیرین خود که عبارت از جان‌شان بود، در راه تأمین و خواسته‌های برحق مردم از دست دادند. در لحظه کنونی که جوانان کشور ما برای تحرک انقلابی رو به‌روشنگری‌اند، تجلیل از یکچنین محافل، رهنمونی‌است تا فعالیت‌های آینده‌شان را مطابق نقل قولی از پیشکسوتان انقلابی، که می‌گویند: (بررسی از گذشته، تعیین خطوط حال، برای فعالیت‌های انقلابی آینده) امری‌است علمی و نظری‌است واقعی.

رفقای گرامی اگر سالیانه ما این صفحه غم‌انگیز را باز می‌کنیم نه آنکه (راهب‌گونه وظیفه ما به‌صدا درآوردن زنگ کلیسا باشد)، بلکه برای بلندبردن سطح آگاهی جوانان ما خواهد بود و نمادی باشد که با در نظر داشت از جانبازی انقلابی این عزیزان، رهنمونی را برای آینده خود ترتیب و تنظیم دارند. در این لحظه تاریخ که ما قبلاً نیز از ورشکستگی استعمار جهانی که آن را می‌توان در دو جمله ختم کرد (امپریالیسم امریکا) و (اتحادیه اروپا) در سرایشی سقوط قرار گرفته‌اند و بیهوده تلاش دارند تا جهان را جهت به‌غارت کشیدن سرمایه‌های روی‌زمینی و زیرزمینی تحت اسارت خود در آورند. هدف بیشتر این حرف توضیح از شرایط جهان و حالت کنونی کشور ماست.

آنگاهی که شوروی سابق برای پیاده‌کردن پلان‌های شوم تسخیر بحر هند با یک کودتای خونین در 27 اپریل 1978 دولت داود را توسط دست‌نشانندگان خود (خلق و پرچم) سقوط داد و این نوکران گوش‌به‌فرمان، قربانی نیروهای ملی، آزادیبخش و انقلابی را در اولویت کار خود قرار دادند، به‌اجراء گذاشت و به‌صورت نهایت بیشرمانه برای حفظ مقام، پا در گلوی مردم آزادی‌طلب گذاشتند، تو‌گویی که سرشت این جنایت‌پیشگان را از خمیرمایه وحشت و جنایت تهداب‌گذاری کرده بودند، تا توانستند کشتند و بستند که حتی در زندان‌ها جایی برای نگهداری زندانیان نبود و با چنین اعمال وحشیانه خود، میراثی سیاه و جنایتکارانه‌شان را به صفحات تاریخ به‌ثبت رسانیدند. تا اینکه بتاريخ 28 سپتامبر 1996 سایه شوم خفاشان سفیدپوش سیاه‌دل، صفحه دیگری را به آن افزودند که حتی تاریخ کشور ما به‌خود نداشت. این مرحله از وحشتناک‌ترین دوره تاریخی بود که نیروی نظامی وحشیانه با شعارهای اسلامی آنچنان دست‌به‌کشتار، تجاوز، ویرانگی کشور و سرکوب علم و دانش پرداخت که از هیچ نوع ستم روگردان نبود. این نظام تازه که تکیه بر کمک‌های مالی و تسلیحاتی امپریالیسم امریکا و اتحادیه اروپا توفان وحشتزایی را در کشور ما به‌راه انداخته بود، به‌خود و اندوختن سرمایه مصرف‌بوند و این مسبب اصلی بود که چندان توجه به منافع باداران‌شان نداشته باشند. گرچه کشورهای استعماری با تعویض‌کردن مهره‌ها پرداخت ولی مؤثر واقع نشد، که آهسته‌آهسته امپریالیسم امریکا و همکاران اروپایی‌اش

ناامید گردیدند و راه دیگری را به جز آوردن حامدکرزی نداشت. جلسه بن که به تاریخ 5 دسامبر 2001 برپا شد، اقدام دیگری در راه مساعدساختن استعمار و به غارت کشیدن سرمایه‌های کشور ما بود. این حاکمیت دست‌نشانده که در طول سیزده سال نتوانست تضمینی برای استعمار به‌دست بدارانش بسپارد و همین موضوع سبب شد تا برده دیگری را به‌نام اشرف‌غنی احمدزی در مصدر قدرت بنشانند. ولی این هم کاری را جهت تأمین منافع بادارش انجام نداد. اکنون در همین اواخر کشورهای جهانی دام دیگری را می‌خواهند در راه به‌دام‌انداختن مردم ما توسط بخشی از سازشگران مقیم اروپا و امریکا دست به‌مانور دیگری بزنند و آن اینکه تعدادی را به‌عنوان گروپ‌های صلح و همکاری وارد کشور کنند. این سازش‌طلبان با باداران شان تعهد بسته‌اند که مردم را به‌سرفروود آوردن وا دارند، چون سال‌هاست در آتش جنگ به‌سر می‌برند، آرامشی را به‌وجود بیاورند، تا این آرامش بتواند زمینه‌سازی برای استعمار و غارت استعمار جهانی باشد. اکنون بر ماست تا با استفاده از برپایی اینچنین محافل به‌جوانان ما هوشدار دهیم و این زنگ خطر را به‌صدا در آوریم که در آینده نه‌چندان دور این دام را در راه مردم ما می‌گستراند و با پایه‌گذاری چندین احزابی دست به‌فعالیت خواهند زد. ما باید راهی را به‌سوی آگاهی مردم ما بپیماییم تا باز هم قربانی دسائیس این دام‌ها شیطنت‌بار آن‌ها نگردیم.

قطرات خون جانبازان انقلابی مان را گرامی داریم!

جوانان و آینده‌سازان انقلابی، از صداقت آن عزیزانی بیاموزیم که جان‌شان را در این راه باخته‌اند!

وحدت خود را استحکام بخشیم که این یگانه راه رهایی از چنگ وحشتگرایی استعمار جهانی خواهد بود!

حاضرین و رفقای عزیز شعری دارم از **پیکار پامیر** که اینک خدمت‌تان دکلمه خواهیم کرد:

دردا و دریغا که جهان تیره و تار است بر دیبۀ ما گلبن واراسته، چو خار است

دانا همه جا غمزده و خسته و زار است هر جا ز سر شکوه، روی خانۀ مار است

آن سر که بود صاحب اندیشه، به‌دار است هشدار که بر دست عدو تیغ بران است

آهسته سخن گو که سر سفله گران است

آنجا چقدر دبدبۀ خیره‌سran است آتش زند آن خانه که فرزانه در آن است

این دور نگون باد که دوران حمار است

از میهن غمدیده و این مردم غمناک یارب! چه بگویم که چه افتاده در این خاک

مردم شده آواره و گریان و یخن‌چاک خون موج زند در بن هر شاخه و هر تاک

دل‌ها همه افسرده و خونین و فگار است

بر کشور ما لشکر بیگانه دمام از بام و هوا ریخته اندر همه جا بم

آگنده ز فریاد بود، سینۀ آدم هیهات! که بیگانه‌پرستان نبود کم

هشیار! که این طایفه هر جا به‌زار است

جاهل شده آوازه‌گر و صاحب و سرور در باغ خزان دیده زغن گشته سخنور

روبه شده در جنگل توفان زده داور در غیبت غمگستر شیران تناور

ننگ است چنین زندگی و مرگ به کار است

آزادگی خلق به بیگانه فروشند وحشی صفتان بر سر آزاده خروشد

خون دل این مردم بیچاره بنوشند با خیل ستم‌باره خودکامه بجوشند

گویند که این موهبت ابر بهار است

« اتحادیه ملی و دموکرات افغان‌های مقیم اتریش » حریت»

۲۹ نوامبر ۲۰۱۲

اتریش

www.sholajawid.org

وبسایت حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان:

sholajawid2@hotmail.com

ایمیل آدرس شعله جاوید:

<http://www.facebook.com/896077590481875>

فیسبوک شعله جاوید: